

دکتر الهه کولانی*

گزارش نشست بانک جهانی در قاهره (زنان در اقتصاد) (۱۴-۱۳ آذر ۱۳۸۴)

یکی از مباحث جدی که در سال‌های اخیر در سطح جامعه جهانی برای کاهش شکاف عمیق توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی در میان کشورها مطرح شده، طراحی و اجرای برنامه‌هایی است که مصایب مشکلات زنان را کاهش دهد، تا از این طریق برنامه‌های توسعه کارآمدتر و مؤثرتر به نتیجه برسد. اینک حضور زنان در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی ضرورتی برای بهره‌گیری از همه منابع توسعه در کشورهای مختلف جهان برآورده شده است. کشورهایی که توانسته‌اند بهره‌برداری بیشتری از ظرفیت‌های انسانی زنان به عمل آورند، گام‌های بلندتری برای اهداف توسعه همه‌جانبه برداشته‌اند. برخلاف برخی تصورات حضور زنان در بازار کار و افزایش روزافزون آن به گسترش بیکاری برای مردان نمی‌انجامد. بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد در شمال اروپا که زنان بیشتری در بازار کار فعال هستند، برخلاف جنوب این قاره که زنان کمتری به فعالیت اقتصادی خارج از خانه پرداخته‌اند، آمار بیکاری پایین‌تر است.

زنان فعال در عرصه‌های اقتصادی کمک بیشتری به بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های اقتصادی کشورها ارائه کرده‌اند. در سال‌های اخیر بانک جهانی نیز برای پیشبرد برنامه‌های فقرزدایی موضوع «جنسیتی کردن توسعه» را در دستور کار خود قرار داده است. گروه بانک جهانی که برای حفظ نظام سرمایه‌داری اصلاح کارکردهای آن را براساس تجارب گوناگون دنبال می‌کند، فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی را بسیار پراهمیت برآورد کرده‌اند. این موضوع در منطقه خاورمیانه

از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود، چراکه تعداد زنان دارای مهارت‌های علمی و عملی روزبروز در حال افزایش است. ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی آنان، امروز به بحث جدی تصمیم‌گیرندگان این کشورها تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد هنوز این منطقه برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های انسانی زنان برای تحقق توسعه همه‌جانبه راهی طولانی در پیش‌رو دارد. نماگرهای مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و ارتقاء توانمندی آنان در قلمروهای سیاسی - اجتماعی هنوز از میانگین‌های جهانی بسیار پایین‌تر است. مشارکت اقتصادی زنان متناسب با تحصیلات و مهارت‌های گوناگون آنان می‌تواند میانگین درآمد خانوار را تا ۲۵ درصد بالاتر ببرد، این امر بر رشد سریع‌تر درآمدها در منطقه کمک خواهد کرد. (ر.ک. طرح پژوهشی نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، الهه کولائی، تهران: مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران - مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۴)

بررسی‌های اخیر کارشناسان بانک جهانی نشان می‌دهد، اگر میزان مشارکت اقتصادی زنان متناسب با ساختار سنی و سطح تحصیلات آنان افزایش می‌یافت، رشد سالانه تولید ناخالص ملی سرانه داخلی کشورهای خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ می‌توانست تا ۷۰ درصد بالاتر از آنچه که بود، ارتقا پیدا کند. تحولات دهه ۱۳۸۰/۱۹۹۰ سبب شد رابطه جنسیت و توسعه برجسته‌تر شود. اینک فشارهای اقتصادی بسیاری از زنان را به سوی کار در بیرون خانه سوق داده است. افزایش فعالیت‌های آموزشی سبب شده تا اینک نسلی از زنان جوان در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا ظاهر شود، که به‌طور فزاینده‌ای خواهان دسترسی به موقعیت‌های برابر با مردان است، تا در فرآیند توسعه همه‌جانبه در منطقه نقش مثبت خود را متناسب با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده ایفا کند. این واقعیت کتمان‌ناپذیر است که در طول سال‌های اخیر کشورهای منطقه سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خود را صرف آموزش و پرورش و ارتقای تحصیلات زنان کرده‌اند. شاخص‌های زندگی زنان طی دو دهه اخیر در سراسر منطقه بهبود قابل توجهی را آشکار ساخته است.

در روزهای ۱۳ و ۱۴ آذر ماه ۱۳۸۴ در قاهره نشست با حضور کارشناسان بانک جهانی و اساتید دانشگاه از امریکا و کشورهای منطقه برگزار شد، تا نقش زنان در بهبود وضعیت اقتصادی

این کشورها مورد بررسی قرار گیرد. طرح «جنسیتی کردن توسعه» در بانک جهانی که بهبود حضور و نفوذ زنان در عرصه‌های اقتصادی این منطقه را دنبال می‌کند، با برگزاری جلسات سخنرانی و کارگاه‌های آموزشی اهمیت بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی زنان را برجسته می‌سازد. بانک جهانی از طریق تمرکز بر موضوع کارآمدی، صرف هزینه‌های توسعه را با ضرورت شکل‌گیری نگرش جنسیتی به توسعه همراه می‌سازد.

در کنار این گرایش طی سه دهه اخیر از منظر دفاع از حقوق انسانی زنان تلاش‌های جهانی گسترش یافته است.

بر این اساس حقوق زنان از منظر رفع همه محرومیت‌ها و موانع دسترسی زنان به حقوق خود دنبال می‌شود. تحقق برابری جنسیتی، دسترسی به فرصت‌های برابر و ایفای نقش سازنده حق طبیعی زنان تلقی شده است. اینک در همه کشورهای جهان رسیدگی به مسایل زنان تحت تأثیر اقدامات و برنامه‌ریزی‌های گوناگون از جایگاه بهتری برخوردار شده است. هر چند دسترسی به شرایط مطلوب، بی‌تردید تلاش مستمر و سازمان یافته را ضروری می‌سازد، که زنان بیش از دیگران در آن نقش ایفا خواهند کرد.

در نشست قاهره با استناد به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، به‌ویژه «اهداف توسعه هزاره» MDGs که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان مورد تأکید قرار گرفته است. همانگونه که در سند «اهداف توسعه هزاره» آمده است، تحقق این اهداف با گسترش نگاه جنسیتی به برنامه‌های توسعه ارتباط مستقیم پیدا کرده است. تحقق «اهداف توسعه هزاره» بدون بهبود شرایط زنان در ابعاد گوناگون امکان‌پذیر برآورد نشده است. در این مسیر تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان نفوذ چشمگیری را به خود اختصاص داده است. در «برنامه توسعه هزاره» تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان از طریق گسترش فرصت‌های آموزشی، توسعه فعالیت زنان در بازار کار، و حضور مؤثر در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی پیگیری شده است.

توجه به تفاوت میان جنس و جنسیت نیز ضروری است. جنسیت نقش‌های مربوط به زنان و مردان و ایجاد دگرگونی مثبت در آن را هدف قرار می‌دهد. از این منظر دسترسی به فرصت‌های

برابر، امکانات برابر و کسب حمایت‌های حقوقی برابر دنبال می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد نمی‌توان با میزان پایین حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی به رشد بالای اقتصادی دست یافت و نابرابری‌های جنسیتی بر روند رشد اقتصادی آثار منفی بر جای می‌گذارد. از همین منظر بدترین نوع نابرابری از نوع جنسیتی آن است، که همه گروه‌بندی‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس برای افزایش رشد اقتصادی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه پیشرفت برابری جنسیتی گامی مهم تلقی می‌شود. این امر به بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی زنان در برنامه‌های توسعه کمک می‌کند. بر همین اساس حضور قابل قبول زنان در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری، امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان را بهبود می‌بخشد. توانمندی‌هایی که باید براساس برنامه‌های گوناگون در مسیر بالفعل شدن قرار گیرد. به این ترتیب فرآیند آموزش دختران و پسران - مردان و زنان از اهمیت بسیار برخوردار می‌شود.

علیرغم دستاوردهای سال‌های اخیر در عرصه‌های آموزشی و ارتقای سطح تحصیلات زنان، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نتوانسته‌اند عملکرد قابل قبولی در ارائه فرصت‌های مناسب به زنان، برای ایفای نقش مثبت آنان در برنامه‌های توسعه به نمایش بگذارند. نقش‌های جنسیتی در این کشورها به شدت بر ایجاد شرایط مناسب برای افزایش حضور زنان در بازار کار تأثیر منفی گذاشته است. در حالی که براساس باورهای دینی در این مناطق، اسلام با تأیید استقلال اقتصادی زنان، ظرفیت مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی آنان در این مسیر فراهم آورده است. بهره‌گیری از این ظرفیت قابل توجه به تلاش همه‌جانبه زنان و مردان در سطوح مختلف در این کشورها بستگی دارد. نقش برتر مردان سبب شد تا این برنامه‌ها بدرستی توجه لازم را جلب نکنند. اصلاحات قانونی در سراسر منطقه از ضروریات مورد بحث برای دسترسی به شرایط لازم برای ایفای نقش مثبت زنان و توسعه اقتصادی این کشورها است. قوانین تبعیض‌آمیز در این کشورها دسترسی به شرایط مطلوب در این زمینه را با دشواری‌های جدی مواجه کرده است. موانع فرهنگی و تربیتی نیز بر مشکلات افزوده است. رفع این دشواری‌ها عزمی راسخ و استوار را طلب می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، حضور فعال زنان در بازار کار بطور مستقیم رفاه اقتصادی خانوارها

را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان سهم قابل توجهی از درآمد خود را برای ارتقاء همه جانبه خانواده هزینه می‌کنند. فقدان حضور مناسب و فعال زنان در بازار کار این منطقه، این کشورها را از سهم بالایی از رشد محروم کرده است. با توجه به روند رشد اقتصادی منطقه و شاخص‌های عمومی توسعه در آن، ضرورت گسترش نگرش جنسیتی به مسایل توسعه به ضرورتی اساسی تبدیل شده است. از این منظر حضور زنان در بازار کار منطقه برای تحقق اهداف رشد و توسعه همه‌جانبه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار پراهمیت است. بر این اساس باید این کشورها در مسیر رفع عقب‌ماندگی‌های همه‌جانبه، برای بهبود و ارتقای حضور زنان در بازار کار برنامه‌های مناسب را طراحی و اجرا کنند.

بر اساس نکات مورد اشاره اساتید دانشگاه کورنل و جرج تاون ابعاد گوناگون مسایل اقتصادی کشورهای منطقه را مورد بررسی قرار داده‌اند. با در نظر گرفتن آثار رو به گسترش جهانی شدن، توجه به لوازم افزایش رشد اقتصادی منطقه مورد تأکید بیشتر قرار گرفت.

بررسی تجارب بین‌المللی در نقاط مختلف جهان به خوبی بی‌بهرگی منطقه از ظرفیت‌های انسانی زنان، و اهمیت جبران آن را آشکار می‌سازد. مسأله جهانی شدن و آثار گوناگون آن یکی از موضوعات مهم مورد بحث در نشست در قاهره بود. بررسی روند تحولات اقتصادی از دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ در کشورهای در حال توسعه و نوع مواجهه آنان با امواج جهانی شدن و فرآیندهای اقتصادی داخلی این کشورها بخشی از بررسی‌های ارائه شده در این نشست بود. آثار این تحولات بر زنان و فراز و نشیب‌های مسیر آن بخش مهمی از مباحث این مسأله بود. این تحولات سبب شد تا در دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰ سهم زنان در مهاجرت‌های جهانی به سرعت افزایش چشمگیری را به نمایش بگذارد. این روند با استثمار فزاینده آنان در بسیاری از مناطق در حال توسعه جهان همراه بوده است.

در بخش دیگری از بررسی‌های دقیق اقتصادی که توسط یکی از اساتید دانشگاه جرج تاون انجام شده، سهم بالای زنان از بیکاری نسبت به مردان را روشن می‌سازد. زنان تحصیلکرده در این میان سهم بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند. این امر به خوبی عدم توانایی این کشورها از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در نیروی انسانی آنان را نمایش می‌دهد. زنان در بخش عمومی

نابرابری‌های کمتری را نسبت به بخش خصوصی تجربه می‌کنند. این امر سبب توجه بیشتر زنان به این بخش بوده، ولی پاسخ لازم را به طور عمومی دریافت نمی‌کنند. آمارها نشان می‌دهد در این زمینه کشورهای منطقه تجارب گوناگونی را به نمایش می‌گذارند. شرایط اجتماعی - فرهنگی برخی از کشورها دشواری‌های زنان را در این زمینه تشدید کرده است.

یکی دیگر از مباحث مطرح شده در این نشست شرایط سرمایه‌گذاری در مصر و آثار آن برای زنان فعال در این عرصه بود. یکی از اقتصاددانان مصری بر اساس بررسی‌های دقیق ابعاد گوناگون این موضوع را در فرآیند فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی مورد بررسی قرار داد. در مجموعه مباحث انجام شده انتقال نگاه جنسیتی به مقوله بودجه‌ریزی نیز در سطح کشورهای منطقه بر پایه چارچوب‌های علمی اقتصادی و مالی مورد بحث قرار گرفت. در این مباحث تجارب کشورهای خارج از منطقه و عملکردهای گوناگون بررسی شد. ارزیابی و سنجش مزایای گوناگون اعمال نگرش جنسیتی در بودجه‌بندی برای بهره‌گیری از فعالیت‌های زنان در این بحث ارائه شد.

در مجموعه مباحث نشست دو روزه قاهره اهمیت گسترش نگاه جنسیتی در برنامه‌ریزی‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفت. تجربه‌های موفق در این زمینه بر فرآیند رشد و توسعه همه جانبه کشورهای مناطق دیگر ارائه شد، تا براساس ویژگی‌های منطقه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مهمترین نکته در این بررسی‌ها، اهمیت انتقال تجارب دیگران بر پایه ویژگی‌ها و الزامات منطقه‌ای بود، که از ابعاد مختلف مطرح گردید. دسترسی زنان به منابع عمومی، بکار گرفته شدن توانمندی‌های آنان، و گسترش مشارکت سیاسی زنان تجربه‌های موفق در بسیاری از مناطق جهان ثبت کرده است. تقویت نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی توسعه و بودجه‌بندی نتایج مثبت خود را در کشورهای دیگر آشکار ساخته، تجربه‌ای موفق که خاورمیانه و شمال آفریقا می‌توانند براساس ویژگی‌های بومی خود از آن بهره‌گیرند. بر این اساس شرکت‌کنندگان مدل خاص کشور خود را پیشنهاد کردند، که تمرین واقعی در مسیر بهره‌گیری از تجارب دیگران براساس ویژگی‌های بومی کشورهای منطقه بود.